استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

حمید انوری پنجشنبه ۰۵ نوامبر ۲۰۲۶

نیم نگاهی بر "لندی" های نوع "خلقی"

خدایه خارج ملکونه وران کړې

په شته خاوند کې ښځې کوندې ناستې وینه

"لندی" مانندِ فوق را یک خلقی بخت برگشته و خدا شرمانده و مردم رانده بنام"آصف بهاند"، از کنج و کنار پیدا نموده و یا هم خود دست بدین بدعت زده است که گویا قسمت چهارصد و هفتم"۴۰۷" آن است که نه تنها هیچ خریداری ندارد، بلکه یک توهین بزرگ بر لندی های زیبای پشتو است و دگر هیچ.

ترجمه به دری:

خدایا ملک های خارج را ویران کنی

که زنان باوجود داشتن شوهر، مانند بیوه ها نشسته اند

و اما سوال اینجاست که این مسافرت ها و مهاجرت ها و ترک میهن و مردم و مادر و زن و فرزند ویار و دیار و...، چرا و چگونه آغاز شد. در این بحث، دنبال "لندی" نبوده، بلکه میرویم سراغ اصل قضیه و آنهم اینکه چه اتفاق افتاد که مردم شریف و نجیب افغان زمین را مجبور به ترک خانه و کاشانه و یار و دیار نمود.

از جانب دیگر، چرا باید به ملک های خارج حسودی کرد و فریاد برآورد که " خدایا ملک های خارج را ویران کنی؟"

کاش همین دعای بد را این خلقی خداشرمانده و مردم رانده در حق اربابان روسی خود در زمان تجاوز شان بر افغانستان می نمود که مردم را آواره و سرگردانِ ملک های خارج نمی ساختند.

مهاجرت و فرار مغز ها از کشور آبائی ما درست در بعد از کودتای خونین هفتم ثور و بعد هم مرحلۀ ننگین آن ششم جدی، از روی اجبار و با دل پرحسرت و چشمان اشکبار صورت گرفت که اگر آن کودتای ننگین که جناب"آصف بهاند" به منزلۀ سیاهی لشکر یک مشت خلقی و پرچمی و زیردارگریختگی عمل کرده و فریاد زنده باد و مرده باد آنان، در کشور ما و بخصوص در کابل زیبای ما در هر روز و هر هفته و هر شام و پگاه و هر صبح باصفا، گوش فلک را کر کرده بود. وقتی که مردم بی دفاع و مظلوم افغانستان را در نتیجۀ کودتای منحوس ثور و بعد هم مرحلۀ ننگین آن، ششم جدی، مجبور به ترک مأوا و میهن نمودید و از خون مردم مظلوم و بی دفاع افغان زمین، جوی های خون در مرکز و ولایات جاری ساختید و...، پس چرا امروز از گوشۀ دنج غرب و نه سرزمین شورا ها، تحت نام"لندی"، عقده گشائی کرده و به هرچه لندی زیبا و گویا و رسا و پرمفهوم پشتو است، فهمیده یا نافهمیده، توهین روا میدارید؟

واقعاً و حقیقتاً که شاعر در این مورد چه زیبا فرموده است:

گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه
به آب زمزم و کوثر نتوان کرد سپید

و جناب"آصف بهاند" از جملۀ همان هائی است که حافظ شیرازی در شعر بالا در معرفی آنان، متذکر گردیده بوده است باری که بخت این قماش افراد و اشخاص را اربابان روسی شان نه تنها سیاه بافته اند، بلکه سرخ و غرق اندر خون فرزندان دلیر آن مرز و بوم نیز نموده اند.

به چند گویا "لندی" مانند دیگر در چتل نویس متذکره، نیم نگاهی می اندازیم، تا خواننده را چه قبول افتد و چه اندر نظر آید:

مسافر ته شوې، خواره زه شوم
خواره دي مور شه چې سفر ته دي لیږینه

ترجمه به دری:

مسافر تو شدی و من بیچاره و دربدر شدم
بیچاره و سیاه بخت شود مادرت که ترا به سفر فرستاد

آقای"بهاند" یا از کندی حافظه و یا هم از دیده درائی، از یاد برده اند و یا هم می خواهند به چشم خواننده، خاک بزنند تا حقایق عریان را به باد فراموشی سپارند. نه جناب، مسافرت ها در بیش از چهل سال گذشته همه و همه از روی ناچاری بوده اند و نه شوق و علاقه و سیر و سیاحت، مانند آن

دو برادر خلقی دیگر تان که از کنج دنج غرب به کشتی سواری پرداختند و یک مشت جفنگ تحویل این و آن دادند و عکس های یادگاری گرفتند و...

برمیگردم به" لندی" گونۀ بالا که خود یک توهین بزرگ است به مادران افغان که جهت حفظ زندگی فرزندان شان با دل های پرخون و چشمان پراشک و حسرت و ناامیدی، فرزندان دلبند خود را مجبور به ترک خانه و کاشانه و آل و اولاد نمودند تا مگر از کشتار رفقای خلقی و پرچمی و خادی و اربابان ددمنش روسی تان جان به سلامت برند و...

پس بیائید تحت نام" لندی" به مادران افغان دعای بد نکرده و بر شهامت و مقاومت و بردباری آنان سر تعظیم فرود آوریم، اما از جناب" بهاند" نمی توان چنین توقع داشت.

رفقای حزبی شما با پول هایی که از خونهای بیوه زن و یتیم و بیچارۀ افغان زمین به سرقت بردند ومشغول عیش و نوش و سفرهای تفریحی بحری بوده و چپ و راست و هفته و چهارشنبه گزارش آن سفر های بحری را با طمطراق و دبدبه و هیاهو نشر کردند و بعد هم از صفحۀ روزگار محو شدند که امید است سرنوشت فرد فرد شما حزبی ها نیز چنین باشد و از صفحۀ روزگار محو و نابود گردید.

باز هم یک جفنگ دیگر تحت نام با صفای "لندی":

مسافر ته شوې، خواره زه شوم

خواره دې مور شه چې سفر ته دې لیږینه

این "لندی" گونه نیز گویا تغییر شکل" لندی" قبلی است و بار دگر توهین و دعای بد به حق مادر و...

قرار معلوم جناب"بهاند" از مادر خود دلِ خوشی ندارند و چپ و راست تحت نام"لندی" به مادران توهین روا میدارند، اگر مادر شان از ایشان دلِ خوشی نداشته اند، کاملاً حق بجانب بوده اند. و اما در این سفر بی برگشت ایشان مادر تقصیر نداشته اند، بلکه اربابان شرف باختۀ روسی شان صد فیصد مقصر بوده اند که آنان را تنها گذشته و راه خود گرفتند و رفتند و...

بخت مې ویده، غم مې بیدار دی

د چا ازار دی، همیشه مې زوروینه

ترجمۀ دری:

بختم خواب و غم بیدار است

آزارِ چه کسی دامن گیرم شده

و اما اندر مورد این"لندی" گونه، باید ناگفته نگذریم که امید میرود به حال"بهاند" ها و رفقای حزبی او همیشه صادق باشد و بخت شان همیشه خواب و غم در فامیل، دوستان و آشنایان و دیگر رفقای حزبی شان همیش بیدار باشد که مملکت و مردمی را با غم و الم دچار ساختند.

ته لیونی، زه لیونی یم

چې لیوني سره یوځایشي، خوند کوینه

این چرند بالا بسیار و بسیار و کاملاً صادق می افتد به حال و روز رفقای خلقی و پرچمی جناب"بهاند" و قرار معلوم ایشان از تمام دیوانه بازی های آنان حظ میبرده اند، حال تفاوتی ندارد که خلقی بوده اند یا پرچمی و یا هم خادی و وادی، ایشان از همین دیوانه بازی ها لذت میبرده اند.

بخت مې ویده، غم مې بیدار دی

د چا ازار دی، همیشه مې زوروینه

کسی را آزار نداده اید، خلق خدا را در سرزمین زیبای ما آزار دادید، اذیت کردید، زندانی کردید، شکنجه کردید، کشتار نمودید و از افغانستان عزیز یک کشتارگاه وحشتناک ساختید و...، و امید است تا آخر عمر ذلتبار تان همیش رنج بکشید و آزار ببینید.

هندوستانی میړه به وکم

د پښتونخوا خاوره کې درېځل کونډه شومه

جناب"بهاند" سه بار بیوه شدن زنان بیشمار افغان، به دلیل کودتای شوم ثور، تجاوز ننگین و خونین روس بر افغانستان و بعد هم وقایع ناهنجار بعدی تا امروز است و این جناب شما آقای"بهاند" هستید که با نام"لندی" بر تمام زنان با شهامت افغان زمین توهین روا میدارید.

واقعاً هم:

گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه

با آب زمزم و کوثر نتوان کرد سپید

این سلسله ادامه خواهد داشت...